

# راه توده

۲۳ فروردین ماه ۱۳۷۶

## خطاب به همه نیروها و شخصیت های سیاسی میهن دوست کشور زدوبند با امریکا را افشاء کنیم!

### \* اخبار واقعی را باید جایگزین موج شایعات در کشور کرد

\* «حزب توده ایران»، در حالیکه از هیچ نوع آزادی ابراز نظر در داخل کشور برخوردار نیست و در عرصه بین الملل نیز با بیشترین فشارهای تبلیغاتی روبروست، حتی برای لحظه ای از اوضاع کشور غافل نیست و از هر امکانی برای تشریح نظراتش استفاده می کند!

اخبار و شواهد در ایران، حکایت از رشد بی وقفه توطئه ای دارد، که حاصل فوری و مستقیم آن برای توطئه گران در پشت صحنه در جمهوری اسلامی، باید جلب حمایت کامل امریکا و تمرکز قدرت یکپارچه در دست نمایندگان گروه بندی حاضر در حکومت باشد. این گروه بندی در کلیت خود عبارتست از: «جامعه روحانیت مبارز»، «جمعیت مؤتلفه اسلامی» و جناح راست «فدائیان اسلام»، که در مجموع به باند «رسالت» معروف شده اند.

آگاهی از اینکه کدام جریانات و با کدام اسامی، به کدام یک از این سه گروه بندی وابستگی مستقیم و یا غیرمستقیم دارند، آنقدر اهمیت ندارد، که آگاهی از نقش نفوذی و هدایت کننده سران پشت پرده انجمن ضد بهائیت ایران («حجتیه») در تمامی این مجموعه دارد.

تشدید بحران اقتصادی و فشار روزافزون سیاسی-اقتصادی و نظامی امریکا برای کسب حداکثر امتیاز از جمهوری اسلامی و سپس حمایت علنی از برخی سران حکومت و یا قدرت های واقعی پشت صحنه، همزمان با عصیان های اجتماعی، که می رود تا به یک انفجار سراسری ختم شود، به توطئه ها سرعت بخشیده است. افشای خبر بسیار مهم مربوط به پیام ها و خواست های اعلام شده امریکا - در یکسال گذشته - به سران حکومت، توسط برخی روزنامه های داخل کشور دو نکته تاریخی را اثبات کرد:

۱- اینکه امریکا، برخلاف تمام جار و جنجال هائی که خود به پا می کند و بذرهائی، که نشریات جناح راست اپوزیسیون و بویژه سلطنت طلب ها در مهاجرت می باشند، تمام تلاش خویش را، نه صرف احیای «حقوق بشر» در جمهوری اسلامی، بلکه صرف تلاش برای کسب امتیاز از همین جمهوری اسلامی و سپس ایجاد تغییر آرایش در مدیریت آن به سود خود، بکار برده و خواهد برد.

محاصره اقتصادی، تحمیل جنگ داخلی به ایران، صف آرائی نظامی در خلیج فارس (حتی اگر کار به مداخله مستقیم نظامی در امور داخلی ایران ختم نشود)، تماماً همین هدف تغییرناپذیر امریکا را دنبال می کند. هدفی، که افشای خواست های امریکا خطاب به سران ج.ا.ی. کم و کاست، آن ارزیابی تاریخی رهبری حزب توده ایران را تأیید می کند، که پیوسته تحلیل و ارزیابی خدشه ناپذیر حزب توده ایران از انقلاب و اهداف خزنده و توطئه آمیز امریکا در برابر انقلاب بود. (۱)

۲- امریکا، زمینه را در داخل ایران و در مجموعه مدیریت و رهبری جمهوری اسلامی، آنچنان آماده می بیند، که خواستار مناسبات جمهوری اسلامی و امریکا، نه در سطح گشایش سفارتخانه ها و مناسبات عادی سیاسی-اقتصادی و دیپلماتیک بین دو کشور، بلکه در حد سالهای پایانی حکومت سلطنتی محمدرضا شاه است! روزنامه های ایران در افشای تاریخی خود، در نخستین شماره های سال ۷۴ (پس از دو هفته تعطیل بی سابقه مطبوعات در ایران) نوشتند: امریکا تاکنون سه پیام برای تهیه دستور کار مذاکره با جمهوری اسلامی پیشنهاد کرده است. یکی از این پیشنهادات، بازگرداندن پایگاه های جاسوسی امریکا در شمال ایران (بهشهر) به امریکائی ها، بمنظور کنترل جمهوری های تازه تاسیس در خاک اتحاد شوروی سابق است. این پیام، توسط مشاور امنیتی سابق کاخ سفید امریکا، «مک فارلین»، باطلاع سران جمهوری اسلامی رسانده شده است. یعنی همان دیپلمات سیاسی-امنیتی امریکائی، که سفر محرمانه اش به تهران و دیدار و مذاکره اش با سران حکومتی در زمان حیات آیت الله خمینی، منجر به بزرگ ترین جنجال های سیاسی در جمهوری اسلامی شد.

پیشنهاداتی در این سطح، نشان می‌دهد، که امریکا از موقعیت سران حکومت و میزان تسلیم‌پذیری در مجموعه جمهوری اسلامی و امتیازاتی، که بصورت مخفی و علنی می‌تواند از سزای آن بگیرد، کاملاً واقف است، و اکنون برای کسب حداکثر امتیازات فشار می‌آورد. اگر اینگونه نبود و پیش توافق‌ها وجود نداشت، چگونه امریکا می‌توانست بخود اجازه طرح پیشنهادات یاد شده را بدهد؟

بازگرداندن پایگاه‌های جاسوسی امریکا در خاک ایران به این کشور، یعنی بازگشت مستشاران امریکائی به ایران، یعنی پیوند این پایگاه به پیمان «ناتو»، یعنی کنترل کامل ارتش و قوای نظامی ایران و ... یعنی تسلیم بلاشرط ایران به امپریالیسم امریکا.

امریکا با کدام اطمینان خاطر، چنین پیشنهاداتی را مطرح می‌کند؟ پاسخ به آنها واقعا معوق مانده است؟ فشار از سوی امریکا برای گرفتن پاسخ مثبت

ادامه ندارد؟

\* اعلام عدم پذیرش ایران در کنسرسیوم نفت جمهوری آذربایجان و در واقع استخراج و فروش نفت شمال حتی بدون مشورت و یا مذاکره با ایران (عملی، که هرگز از سوی اتحاد شوروی سابق انجام نشد)؛

\* فشار برای محاصره کامل اقتصادی ایران؛

\* لغو قرارداد نفتی ایران با شرکت امریکائی «کومک»؛

\* تحریک شیخ‌نشین‌های خلیج فارس برای اقدام به اشغال سه جزیره ابوموسی و تنب‌های بزرگ و کوچک و سپس تقاضای حمایت از ارتش امریکا در خلیج فارس؛

\* تصویب بودجه ۲۴ میلیارد مارکی در امریکا برای عملیات فوق‌العاده در خلیج فارس، که بدون جاروجنجال تبلیغاتی صورت گرفته است. (۲)

هر کدام از نکات فوق باید برای تسلیم توطئه‌گران و معامله‌کنندگان در حکومت جمهوری اسلامی در برابر حداکثر خواست‌های امریکا کافی باشد. حکومتی، که در داخل کشور مشروعیت خود را چنان از دست داده است، که جز با اتکا به قوای نظامی قادر به ادامه حیات نیست، در چنین لحظاتی، که حلقه محاصره از دو سو (خارج و داخل) روز به روز تنگ‌تر می‌شود، باید در اندیشه گشایش یکی از این دو حلقه، برای مقابله با حلقه دیگر، باشد.

در ساده‌ترین کلام، یعنی یا تسلیم در برابر فشار خارجی و گردن‌گذاشتن به خواست امریکا، و یا تسلیم در برابر خواست‌های مردم و قبول حقوق انسانی و قانونی آنها.

\* تسلیم در برابر فشار خارجی و بویژه فشار امریکا (که حداکثر امتیازات را برای برقراری مناسبات دوستانه با سران جمهوری اسلامی طالب است)، یعنی معامله برسر استقلال کشور و سپردن سکان هدایت مستقیم کشتی به گل نشسته جمهوری اسلامی، بدست امریکا.

\* تسلیم شدن در برابر خواست‌های مردم، یعنی پایان بخشیدن به اختناق، بازگرداندن آزادی‌ها به جامعه، بازگشت فعالیت آزاد احزاب به حیات سیاسی کشور، سلب قدرت از جنایتکاران و تبهکاران ۱۷ سال اخیر، پایان سرکوب مردم، قبول مشارکت عمومی در سرنوشت کشور، قطع دست غارتگران داخلی از گریبان مردم، دست کشیدن از عوام‌فریبی مذهبی، پایان بخشیدن به یورش‌های فرهنگی ارتجاع در لباس مذهبی، که نقش پوشش حکومتی را برای غارتگران اقتصادی کشور ایفاء می‌کند و ...

گروه‌بندی حکومتی یاد شده در بالا، یعنی اکثریت جامعه روحانیت باصطلاح مبارز، جمعیت موثلفه اسلامی و جناح راست «فدائیان اسلام» (باضافه طیف‌های وابسته مستقیم و غیرمستقیم به آنها) و هدایت‌کننده اصلی همه آنها «انجمن حجتیه»، بعنوان قدرت غالب دولتی-حکومتی در جمهوری اسلامی، براساس شواهد موجود، تصمیم دارند، پشت به مردم، همان راهی را ادامه دهند، که در طول سالهای گذشته طی کرده‌اند. پایان این راه، پذیرش تام و تمام خواست‌ها و شروط امریکا و تشدید سرکوب باز هم بیشتر مردم است.

تمام شعارهائی، که آنها علیه امریکا هنوز عوام‌فریبانه تکرار می‌کنند، سه هدف را دنبال می‌کند:

\* گمراه نگهداشتن مردم و بویژه نیروهای مذهبی صادق، طرفدار مبارزه با امریکا، اما کم‌اطلاع و مقلد و مجری فرامین، از ماهیت واقعی این گروه‌بندی، تا لحظه پایانی این مسیر و سپس برداشتن نقاب از چهره غیرملی و خونریز خود علیه آنها؛

\* باصطلاح فشار به امریکا، برای صرف نظر کردن آن از برخی خواسته‌هایش در این مرحله، که بنظر آنها زیاد و غیرعملی است؛

\* خالی نگذاشتن میدان برای نیروهای سیاسی واقعی طرفدار استقلال کشور و ادامه مبارزه معتدل و بدور از حادثه‌آفرینی در راه استقلال سیاسی و اقتصادی در برابر امپریالیسم امریکا، بمنظور نجات ایران از بن‌بست کنونی.

انفشای ناگهانی دو خبر بسیار مهم درباره دو سفر و مذاکره در روزهای اخیر (که رقابت کشورهای سرمایه‌داری اروپائی، امریکا و اسرائیل با یکدیگر، زمینه آنرا فراهم ساخته است)، خود بهترین شاهد در مورد تصمیمی است، که توطئه‌گران و زدوبندچی‌های پنهان و عیان در جمهوری اسلامی آنرا دنبال می‌کنند.

براساس یکی از این دو خبر وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران، «آقازاده»، و وزیر دفاع سابق و پرنفوذ امریکا در دولت کنونی امریکا، بطور همزمان در کشور بحرین و در کنفرانس باصطلاح اقتصادی، که در این کشور تشکیل شده است، حضور یافته‌اند و در خبر دوم، بطور همزمان، «ناطق نوری»، (نماینده سه گروه‌بندی یاد شده در بالا برای نشستن بر صندلی ریاست جمهوری، که قرار است خالی شود!) در کشور کویت، همسایه دیوار به دیوار بحرین، حضور یافته است. (که در واقع می‌تواند برای هدایت و نظارت بر مذاکرات جاری بین طرفین ایرانی و امریکائی در بحرین باشد)

گروه‌بندی‌ها و توطئه‌گران یاد شده در بالا، که هنوز قادرند سازمان‌های نظامی-انتظامی حکومت و بویژه بدنه ناآگاه و مقلد (مذهبی) آنرا، به بهانه خنثی‌سازی توطئه‌های امریکا و ستیز با عوامل امریکا، به جنگ زن و بچه‌های مردم گرسنه در منطقه «اسلام شهر» (اکبرآباد) تهران بفرستند، خود سرگرم بزرگ‌ترین معاملات بر سر استقلال کشور با امریکا هستند و تا حد طرح پیشنهادات گستاخانه و استقلال برپا ده امریکا به سران ج.ا. پیش رفته‌اند و اکنون با مذاکرات محرمانه بحرین-کویت آخرین میخ‌ها را به تابوت استقلال ملی می‌کوبند.

**سخن ما با تمام نیروهای میهن‌دوست و ملی (با هر گرایش فکری)، درست از همینجا شروع می‌شود و از هیچ کوششی برای همزیانی، همکاری و همیاری با این نیروها، برای رسیدن به هدفی، که ما آنرا «افشای وسیع توطئه‌ها»، می‌نامیم، دریغ نداشته و نداریم.**

برای ما این نکته تعیین کننده نیست، که این نیروها در حکومت، در بدنه نظام ج.ا. و یا در خارج از این چارچوب قرار دارند و یا داشته‌اند. برداشتن نقاب از چهره توطئه‌گران، از طریق افشای وسیع اخبار و اطلاعات مربوط به تلاش‌های آنها، آنقدر اهمیت دارد، که بتوان با جسارتی برخاسته از احساس مسئولیت، دایره این همکاری و همفکری را اینگونه گسترده ارزیابی کرد.

**«حزب توده ایران» اعتقاد دارد، که افشای توطئه‌های پشت پرده، یک «وظیفه ملی» است. چرا که در صورت به ثمر رسیدن این توطئه‌ها (حتی اگر برخی مجریان و هدایت کنندگان آن دنباله‌رو حوادث باشند و از کم و کیف سرانجام چنین عملی آگاهی کامل هم نداشته باشند)، نتیجه‌ای عمیقاً «ضد ملی» برای ایران و ایرانی به بار خواهد آورد.**

تجربه تاریخ نشان داده است، که هر حکومت و یا جناح حکومتی، که در سرایش بیگانگی با منافع ملی کشور و متکی به توطئه و زدوبند حرکت می‌کند، به محض دست یافتن (حتی موقت) به توافق با قدرت‌های بزرگ خارجی -بویژه در شرایط کنونی جهان-، بمنظور تحکیم موقعیت خود و نشان دادن تسلط خویش بر اوضاع، یورش داخلی را تشدید خواهد کرد. این یورش، همزمان با سرکوب مردم، تشدید اختناق و سانسور مطبوعات، به یقین، نه تنها بسیاری از ملیون و میهن‌دوستان خارج از حکومت (با هر گرایش فکری و مذهبی) را شامل خواهد شد، بلکه بصورت امواج تصفیه‌های خونین و خائنانه، حتی صفوف حکومتی را نیز، بمنظور یکپارچه کردن حکومت و دفع چهره‌های غیرقابل پذیرش برای امریکا و یا مزاحم احتمالی ادامه توطئه‌ها، دربر خواهد گرفت.

افشای این توطئه‌ها، در میان نیروهای نظامی و انتظامی ایران، به مجموعه دلایل ذکر شده در بالا، انجام وظیفه‌ای تاخیرناپذیر است. ما کوچکترین اعتقادی به جدائی سه نیروی نظامی ارتش، سپاه و بسیج (انتظامی) نداریم و بهمین دلیل معتقدیم، مرز جدائی نیروهای نظامی و انتظامی از یکدیگر، مرز دفاع از آزادی، استقلال و شرف ملی و عدالت اجتماعی، بعنوان سه اصل اساسی انقلاب بهمن ۵۷ (آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی) و دفاع از خواسته‌های مردم است، نه مرز کمرنگ یا پررنگ اعتقادات مذهبی و یا نام و رنگ لباس آنها. آن نیرویی که در آرزوی عدالت اجتماعی، آزادی‌ها را فراموش کرده است و آن قوای نظامی، که استقلال ملی را در خطر می‌بیند و آن دیگری، که آزادی‌های اجتماعی را ضامن استقلال و عدالت اجتماعی می‌داند، در کنار یکدیگر کل واحدی را تشکیل می‌دهند، که در کنار وسیع‌ترین اقشار و طبقات اجتماعی می‌توانند، نه تنها در برابر تسلیم شدگان، تسلیم پذیران، توطئه‌گران و مرتجعین غارتگر اجتماعی در مجموع حکومت موجود، بایستند، بلکه با حمایت از آزادی مبارزان واقعی و مدافعان منافع واقعی وسیع‌ترین اقشار و طبقات اجتماعی، خطر مداخله سیاسی و یا نظامی خارجی -بویژه امریکا- را در امور داخلی کشور، خنثی کنند.

افشای تاریخی پیام‌های امریکا (در حد بازگرداندن پایگاه‌های جاسوسی به شهر به آمریکا) برای مناسبات با جمهوری اسلامی، یکبار دیگر نشان می‌دهد، که جنبش کنونی مردم ایران برای دفاع از استقلال ملی، عدالت اجتماعی و بازگرداندن آزادی‌ها به جامعه، فقط یک راه حل دارد، و آن اتکاء به وسیع‌ترین جبهه داخلی از همه نیروهای طرفدار این سه خواست است. یعنی همان اصول و شعار اولیه انقلاب بهمن ۵۷. تنها از درون این جبهه وسیع ملی، می‌تواند راه حل برون رفت ایران از بحران کنونی، یعنی یک «دولت وحدت ملی» بیرون آید.

ما اعتقاد داریم، که نخستین نتیجه عملی چنین جبهه گسترده‌ای، با درس آموزی از همه تجربیات تلخ گذشته، تشکیل دولتی است متعهد به وحدت ملی کشور و پایبند به سه شعار استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی.

هیچ نیروی ملی و متکی به آگاهی و هوشیاری مردم، از داشتن مناسبات متکی بر استقلال کشور با همه کشورهای جهان، بیم بدل راه نمی‌دهد و آنها که این مناسبات را پنهان از مردم و در معاملات و زدوبندهای مخفی گسترش داده و اکنون در تدارک تکامل و تکمیل آن هستند، در جمع نیروهای میهن‌دوست و ملی محسوب نمی‌شوند.

**توطئه جدید گروه‌بندی سه گانه یاد شده در بالا را، که می‌خواهد با پذیرش تمام شروط امریکا، در ترکیب مدیریت (دولت) تغییرات مورد نظر خود را بوجود آورد و با تنگ‌تر کردن کمر بند اختناق، سرکوب و تصفیه در مملکت، مجری لایق‌تر و تواناتری در اجرای سیاست‌های امریکا، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی خود را نشان دهد، باید افشا شود.**

نجات ایران از ورطه کنونی، اتفاقاً با حذف همین گروه‌بندی ارتجاعی و همگامان آنها، از صحنه سیاسی کشور ممکن و عملی است. پیش از آنکه آنها کمر بند اختناق و سرکوب و توطئه را تنگ‌تر کنند، باید حلقه محاصره آنها را، با افشاکاری و جداسازی بدنه نیروهای نظامی و انتظامی ج.ا. از طیف آنها و تلاش در جهت آگاهی وسیع مردم و این نیروها از توطئه‌ها، تنگ‌تر کرد.

امواج شایعات، که این روزها سراسر ایران را بی‌وقفه طی می‌کند، نشان می‌دهد، که مردم برای شنیدن و آگاهی از اخبار واقعی از هر زمان دیگر آمادگی بیشتری دارند.

نباید اجازه داد، تا توطئه‌گران هدایت این نیاز عمومی را، که اکنون بصورت امواج شایعات در کشور جریان دارد، بدست گیرند و خود مبتکر شایعاتی شوند، که ده بار غلط بودن آن ثابت می‌شود، و بار یازدهم واقعیت وقتی فرود می‌آید، که مردم در ناباوری بسر می‌برند. شایعات روزهای اخیر در تهران و آذربایجان، مبنی بر به حرکت درآمدن تانک‌ها در زنجان از دو سو بطرف تبریز و تهران، انتقال آیت‌الله منتظری در حال بیهوشی به بیمارستان، ترور آیت‌الله «خلخال» و صدها شایعه دیگر در سراسر کشور را، ما اینگونه ارزیابی می‌کنیم. انتشار اخبار واقعی می‌تواند و باید گوشه‌ای از کارزار افشاگرانه علیه توطئه‌گران باشد.

حزب توده ایران، در شرایط کنونی، محروم از هر نوع ابراز نظر علنی و آشکار در ایران و زیر شدیدترین فشارهای داخلی و بین‌المللی، تنها از طریق اطلاعات و تحلیل‌های نویسی خود، که به همت صادق‌ترین یاران انقلاب و مدافعان زحمتکشان در داخل کشور تکثیر و توزیع می‌شود و با ارسال نامه‌های حامل نظرات و برداشت‌های خود از اوضاع کشور، برای رهبری و چهره‌های شناخته شده ملی، مذهبی و میهن‌دوست داخل و خارج از کشور، به سهم خود از هیچ تلاشی در جهت این کارزار دریغ نداشته و نخواهد داشت. ابتدائی‌ترین انتظار از مطبوعات غیر دولتی و از آنها، که فضائی مناسب‌تر از ما - هر چند اندک -، برای ابراز نظر آشکار در داخل کشور دارند، انگشت گذاشتن بر این واقعیات، به فراخور تحلیل و برداشت خود از اوضاع کشور، است.

این خواستی است، که ما بعنوان وظیفه تاریخی خود، با همه میهن‌دوستان و از جمله نیروهای وابسته به طیف گسترده «چپ» در خارج از کشور نیز طرح کرده و مسئولیت سنگین آنها در این زمینه را یادآور می‌شویم.

## (۱) امریکا و انقلاب ایران

### حکم تاریخ به پیش می‌رود

«راه توده» در شماره ۳۱ (فروردین ۷۴) گزیده‌ای از گفتگوی تحلیلی دبیر اول حزب توده ایران، «نورالدین کیانوری» را در سال ۱۳۶۱ با نشریه «کار»، ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منتشر ساخت، که اکنون با افشای خواست‌های امریکا از جمهوری اسلامی برای برقراری مناسبات کامل با آن، اجزاء آن ارزیابی بی‌کم و کاست به اثبات می‌رسد. در این گفتگو و در بخش مربوط به امریکا و انقلاب ایران آمده است:

✽ امپریالیسم آمریکا دست از انقلاب ایران برنخواهد داشت، او از انقلاب ایران، با سازش‌های کوچولو، راضی نخواهد شد. او، به طور خلاصه، خواستش همان خواستی است، که «الکساندرهیگ»، «برژنسیکی»، «کارتر» و «ریگان» و همه سردمداران آمریکا به طور خیلی صریح بیان کردند و گفتند. آنها می‌خواهند، که نفت ایران را داشته باشند و مطمئن گردند، که دولت جمهوری اسلامی ایران، به حاکمیت مطلق و غارتگری مطلق آنها در منطقه ما، که ۸۰۰ میلیون تن نفت آنها را تامین می‌کند، هیچگونه صدمه نخواهد زد.

امپریالیسم جهانی و ضد انقلاب بتدریج تلاش می‌کند از داخل، انقلاب را مسخ بکند، یا موضع به موضع جبهه خودش را تقویت و نیروهای مقابل خود را تضعیف بکند، آنقدر دشواری برای انقلاب ایجاد بکند، که مثل بسیاری از انقلاب‌ها، یواش یواش و تدریجی، با یک ضربه ناگهانی و غیرمنتظره، ستون انقلاب را با شکست روبرو کند. (نقل از مصاحبه «نورالدین کیانوری» با نشریه «کار» در سال ۶۱)

### (۲) کدام عملیات نظامی در دستور است؟

نشریه «فرانکفورتر روند شاون» چاپ آلمان در تاریخ ۱۸ مارس ۹۵، در یک خبر بسیار کوتاه و کم‌جنجال، تصمیم مهمی را اعلام داشت، که در امریکا اتخاذ شده است. تصمیمی، که نمی‌تواند ارتباط مستقیم با حوادث خلیج فارس و لشکرکشی امریکا به آن، سفرهای پیاپی وزاری دفاع، خارجه و معاون ریاست جمهوری امریکا به این منطقه و دیدار با شیخ‌نشین‌ها نداشته باشد. این تصمیم می‌تواند در جهت حمایت از حوادث آینده و فعل و انفعالات در حکومت ایران و یا حوادث مستقیم توسط قوای امریکا در منطقه باشد. متن خبر چنین است:

### بودجه عظیم برای ماموریت نظامی

واشنگتن (د.پ.آ)

«مجلس سنای امریکا بمنظور عملیات تهاجمی غیرمترقبه (پیش‌بینی نشده) ارتش امریکا در مناطق ماوراءاتیانوس، بودجه‌ای به مبلغ ۲۴ میلیارد مارک

را تصویب کرد.»

از فاکس و تلفن شماره ۳۲۰۴۵-۲۱۲۳-۴۹ (آلمان) می‌توانید برای تماس سریع با «راه توده» و ارسال اخبار و گزارش‌های خود استفاده کنید.